

## " لویه جرگه" یا مجلس مشوره ی دوهزار نفری حامد کرزی

چنانکه خواننده های گرامی اطلاع دارند، در جریان همین هفته، " لویه جرگه" یا مجلس مشوره ی دوهزار نفری، توسط حامد کرزی رییس جمهور افغانستان در کابل و در تحت اقدامات شدید امنیتی و در میان موجی از شک و تردید و نگرانی و نا باوری دایرگردید و پس از سخنرانی های مقدماتی، تشکیل " کمیته" های "کاری و مشورتی" و بالاخره، استماع چند مشوره و پیشنهاد و دعا و پناه، پایان یافت.

اگر از اصل و ماهیت چنین جرگه ها و سؤاستفاده های استمراری دولتهای افغانستان از ان در جریان دهه های اخیر صرف نظر نماییم، باید به این موضوع پردازیم که چرا این جرگه ی به اصطلاح عنعنوی، در میان تهدید های تروریستی طالبان از یکطرف و نگرانی ها و مخالفت های دامنه دار مردم افغانستان و نهاد های مدنی و روشنفکری از سوی دیگر، بر گزار شد؟

مقصد از گرد آوری بیشتر از دو هزار نفر از مرکز و ولایات افغانستان به شمول تعدادی از اعضای پارلمان، اعضای کابینه، والیان، خارجیان و هیأت های کوردپلوماتیک مقیم کابل، آنهم با هزینه ی گزاف دالری، پرداختن روی دو هدف عمده اعلام شد: نظرخواهی پیرامون امضای پیمان استراتژیک افغانستان با ایالات متحده ی امریکا که بازتابش تأسیس پایگاه های نظامی آن کشور در افغانستان و ماندگار شدن آن تا سالهای طولانی در خاک افغانستان خواهد بود، و نیز، بحث و نظر خواهی راجع به ادامه ی مذاکره ی دولت کرزی با گروه های تروریستی و انفجاری طالبان و یا حامیان خارجی آنان.

اینجاست که جوانب مختلف سیاسی و اجتماعی افغانستان، یا روی ملحوظات گروهی و یا باساس میهن دوستی و دور اندیشی سیاسی خویش با دلهره و نگرانی در برابر چنین " جرگه " ی به اصطلاح عنعنوی و مشوره دهی و تصمیم گیری آن برخورد کردند و میکنند. این نگرانی و مخالفت ها، در سه بخش متبازر بود:

1- مخالف افراد و دسته های حزبی و تنظیمی و حتا قومی و ملیتی که ظاهراً زیرنام " اپوزیسیون " مسما شده اند. این ها، نه بخاطر رعایت امانت و منفعت ملی و میهنی، بلکه غالباً روی تفاوت های سلیقه یی و یا چانه زنی های سیاسی غرض امتیاز گیری و ملاحظیات خاص دیگر که نزد شان وجود دارد، در تلاش و تحرک افتیدند و اجتماعاتی را تشکیل دادند و سخن ها گفتند و اخطار ها صادر نمودند.

2-مخالفت گروه طالبان که حتا با تهدید های تروریستی و تبلیغاتی توأم بود. این گروه نیز نه بخاطر آینده ی افغانستان و مردمش، نه به منظور حفظ و رعایت منافع ملی مردم افغانستان و خیر

خلق الله ، بلکه بخاطر ارعاب دولت کرزی، تبلیغات سیاسی ، حصول وجهه ی بین المللی، تعمیل دستور اربابان ایرانی و پاکستانی شان و در نهایت ، تلاش برای بدست آوردن وزنه ی بیشتر دپلوماتیک تا تدویر کنفرانس دوم بن است . گروه طالبان و اربابان خارجی شان میدانند که بخش عمده ی جلسات کنفرانس دوم بن در ماه آینده، علاوه از مستحکم سازی پایه های استعمار در افغانستان، بر محور طالب دوستی و امتیاز دادن های سیاسی برای آنها نیز خواهد چرخید. پس ، آنها نه تنها در آستانه ی تدویر "لویه جرگه" ، بلکه پس از آن نیز سعی خواهند کرد تا به گسترش دهشت و وحشت خونین در افغانستان ادامه دهند. زیرا این، همان تاکتیک خاصی است که نظامیان پاکستانی میخوانند افکارکشورهای اشتراک کننده در کنفرانس دوم بن را بیشتر متوجه به اصطلاح اهمیت گروه طالبان در تعیین سرنوشت آینده ی افغانستان بسازند و اگر بتوانند سهم بیشتر و امتیاز بزرگتر ظاهراً برای نوکران مسلح خون آشام خویش ، ولی در اصل، برای جانب پاکستان کمایی کنند. در غیر آن، با دشمنی سرسختانه این گروه علیه "جرگه" و "مذاکره" و با گسترانیدن موج خون و کشتار و جنایت در افغانستان ، سؤال تماس و مذاکره و معامله با آنها کاملاً مرتفع است و پافشاری روی آن در حکم زبونی و حماقت سیاسی خواهد بود.

3- نگرانی های عامه و روشنفکران میهن دوست و آزاده ی افغانستان پیرامون این جرگه بازیها و کنفرانس خواهی ها، نه هدف گروه اول را دارد و نه ماهیت گروه دوم را. تشویش، نگرانی، مخالفت و پرداختن این بخش از افراد و کتله های جامعه ی ما برای آن بوده و هست که آنها میدانند و درک میکنند که افغانستان هنوز هم در چنگال توطئه گران منطقه یی و جهانی گیر مانده و این توطئه گران هرگز نمیخواهند به آسانی دست از سر مردم این آب و خاک بر دارند. بنابراین، با آگاهی های فطری و سیاسی ، با داشتن تجارب کافی چندین ساله در پرتو شعور بلند ملی فهمیده اند که هم تأسیس پایگاه های نظامی امریکا در خاک افغانستان اسارت زا و مصیب باراست و هم سهم دادن گروه تروریستی طالبان در قدرت حاکمه ی این کشور. پس وقتی این دو مقصد و یا دو هدف متذکره، یک حرکت و اقدام ضد منافع ملی و ضد حیثیت و آبروی سیاسی مردم افغانستان باشد، میتوان با صراحت و قاطعیت اظهار داشت که تدویر "لویه جرگه" ، آنها " عنعنوی" در این مورد، فریبی بیش نیست و تدویر کنفرانس دوم بن نیز که متعاقباً صورت خواهد گرفت، سرابی بیش نخواهد بود .

احتمال آنکه پس از مصوبات کنفرانس دوم بن، بخصوص بعد از ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در خاک افغانستان و ادغام گروه تروریستی طالبان به شمول حزب اسلامی گلبدین در دولت کابل، صلح و امنیت مورد نظر ملت افغانستان بوجود آید، بی اندازه اندک است . ولی امکان افزایش تشنج اوضاع و آشفته گی خونین تر در افغانستان و منطقه ، محتمل تر به نظر می آید.

نتیجه ی نهایی هرچه باشد، چیزیکه نیاز تاریخی اش هنوز هم به شدت محسوس است ، همانا دخالت مثبت ، فعال و آگاهانه ی سیاسی و عملی اکثریت مردم افغانستان، بخصوص نیروی خفته و خاموشی است که علی رغم اکثریت بودن و مستحق بودن، متأسفانه دخلی و نقشی در روند تعیین سرنوشت آینده ی خویش ندارند. تفنگداران و جنگ سالارانی که تا کنون خواسته اند خود شان را در لفافه های قومی ، زبانی و ملیتی پوشا نیده شعار نماینده گی از قوم و ملیت خاصی را بالا کنند، به هیچ صورت نمیتوانند از اصل قوم و ملیت مورد

نظر نماینده گی کنند. زیرا، این ، همان تفنگ سالاری و زورگویی و باد کردن ثروت است که توانسته اند مؤقتاً در پناه آن ، مجبوران و بلی گویانی چند را به دور خویش گرد آورند. به امید رسیدن روزیکه این ملت مغرور و اما سرکوب شده ی ما، بار دیگر قد راست کند ، بپا خیزد و با محکوم کردن عناصر " روشنفکر " پرمدعای اعتکاف نشین که جز حرف و ادعا و تبختر و نهایتاً ، ناسزا گویی و مودماغی و خوردن گوشت جان یکدیگر کاری و برنامه ی ندارند ، بنای آینده ی زنده گی شان را با دستان توانای خود شان شجاعانه بسازند. آنگاه خواهد بود که با فریاد بلند بگوییم:

چه خوشست گرمحک تجربه آید بمیان  
تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد .